

Feasibility Study of the Jurisprudential and Legal Aspects of Designating Cryptocurrencies as Dowry in Marriage Contract

Abazar Kafi Mousavi*

Assistant Professor of Islamic Studies, Farhangian University, Tehran, Iran

Ahmad Reza Hasankhani

Assistant Professor of Theology, Farhangian University, Tehran, Iran

Abstract

One of the most significant financial implications of a marriage contract is the dowry, which is agreed upon and specified within the contract. The type, characteristics, and amount of dowry have undergone numerous changes and developments over time, Even now; it has brought many challenges in cultural, social and legal fields. Designating cryptocurrencies as dowry is an emerging issue that has arisen with technological advancements and the expansion of the cyberspace space, raising numerous jurisprudential and legal questions due to its novelty. This article, adopting a jurisprudential-legal approach and employing a descriptive-analytical method, seeks to answer whether cryptocurrencies can be designated as dowry in a marriage contract from a jurisprudential and legal perspective. After discussing and critiquing the jurisprudential and legal challenges surrounding cryptocurrencies, the authors conclude that if cryptocurrencies meet the required jurisprudential and legal criteria for dowry, their designation as such is permissible. Accordingly, since cryptocurrencies can possess credited value, transferability of ownership, and determinability, they are deemed permissible as dowry in a marriage contract from both jurisprudential and legal perspectives.

Keywords: Dowry, Cryptocurrency, Economic Jurisprudence, Iranian Law.

* **Email:** a.kafi@cfu.ac.ir (Corresponding Author)

فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضائی
مقاله پژوهشی، دوره ۲۹، شماره ۱۰۸، زمستان ۱۴۰۳، صفحات ۱۳۱ تا ۱۵۰
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۸

امکان سنجی فقهی و حقوقی تعیین رمز ارزها به عنوان مهریه در عقد نکاح

اباذر کافی موسوی* | استادیار آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران،
ایران.

احمدرضا حسنجانی | استادیار الهیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

چکیده

یکی از مهم‌ترین آثار مالی عقد نکاح، مهریه است که مورد توافق قرار می‌گیرد و در عقد نکاح ذکر می‌شود. نوع، وصف و مقدار مهریه در گذر زمان تغییرات و تطورات فراوان داشته و در عصر کنونی نیز چالش‌های متعددی را در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و حقوقی به همراه داشته است. تعیین رمزارزها به عنوان مهریه یکی از مسائل نوظهوری است که با پیشرفت تکنولوژی و گسترش فضای مجازی به منصفه ظهور رسیده و با توجه به نوظهور بودن این پدیده، مسائل متعدد فقهی و حقوقی بر این حوزه مترتب است. مقاله حاضر با رویکرد فقهی-حقوقی و با روش توصیفی-تحلیلی به صورت کتابخانه‌ای درصدد یافتن پاسخ به این سؤال است که نظرگاه فقهی و حقوقی در مورد امکان قرار گرفتن رمزارزها به عنوان مهریه در عقد نکاح چیست؟ پس از بیان و نقد چالش‌های فقهی و قانونی مطرح شده پیرامون رمزارزها، نگارندگان به این نتیجه رسیده‌اند چنانچه رمزارزها ویژگی‌ها و شرایط مورد نظر فقهی و حقوقی مهریه را دارا باشند، تعیین آن به عنوان مهریه بلااشکال است و بر این اساس، با توجه به اینکه می‌توان مالیت اعتباری، ملکیت قابل انتقال، معین و

معلوم بودن را برای رمازرها لحاظ کرد، جواز قرار دادن آن به‌عنوان مهر همسر، مشکل فقهی و حقوقی ندارد.

واژگان کلیدی: مهریه، رماز، فقه اقتصادی، حقوق ایران.

مقدمه

از جمله مهم‌ترین حقوق مالی زن در عقد نکاح و شاید بارزترین نوع آن، مهریه است. مهریه از زمان‌های بسیار دور در میان مردم و صاحبان ادیان، مذاهب، سنن مختلف رایج بوده است، لذا آغاز و تاریخ مشخصی برای مهریه نمی‌توان در نظر گرفت. سیر تاریخی مهریه نشان می‌دهد که قبل از اسلام هم مهریه به‌عنوان یک سنت در عرف جامعه اعراب وجود داشته و سپس وارد سنت و شرع اسلامی شده و نهادی امضایی است. از همین رو اسلام نه تنها مُبدع آن نبوده، بلکه آن را به حالت فطری خود بازگردانیده و رسوم جاهلیت را از بین برده است.

آنچه مسلم است «مهریه» در ابتدا کارکردی عاطفی و اقتصادی داشته است، ولی در گذر زمان، کارکردهای گوناگون دیگری بر آن تحمیل شده و از کارکرد اولیه خویش فاصله بسیاری گرفته و تغییراتی کاربردی و بنیادین در آن ایجاد شده است. از جمله این تغییرات، تغییر در نوع، میزان و کیفیت مهریه بوده است. نوع مهریه در گذر زمان همیشه متغیر بوده و به فراخور شرایط جامعه و تحولات اقتصادی و عرف هر جامعه‌ای تعیین شده است. در روایت معتبری از امام کاظم (ع) چنین نقل شده است: «در دوران رسول خدا(ص) مردان زنان را با سوره‌ای از قرآن و چند درهم و مقداری گندم به نکاح درمی‌آوردند» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق/۱۵: ۳۳، ح ۱) یا در روایتی دیگر پیامبر اکرم(ص) مهریه زنی را تعلیم سوره‌ای از قرآن قرار داد (همان، ۱۲، ح ۲). در روایتی دیگر مهر زنان را ۵۰۰ درهم عنوان کرده که از آن به‌عنوان مهرالسنه یا صدق‌النبی هم یاد شده است (همان، ج ۱۵: ۸، ح ۹). روایات دیگری نیز دلالت دارد بر اینکه پیامبر(ص)، فلان مقدار را مهر قرار داد یا مهریه دخترانش به این اندازه بود (همان: ۵-۸).

آنچه مسلم است در باب مهریه دو اصل ثابت بیان شده و اندازه و مقدار آن به عرف و فرهنگ هر جامعه‌ای سپرده شده است و آن دو اصل عبارت‌اند از: ۱. توافق و رضایت طرفین که در احادیث عدیده‌ای بر آن تأکید شده است. تعابیری از این قبیل: «الصدائِقُ ما تراضیا علیه قَلَّ او کَثُرَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹/ق/۱۵: ۱-۳)؛ مهر آن است که بر آن توافق باشد کم یا زیاد. در لابه‌لای احادیث فراوان است بلکه به‌عنوان یک باب در کتاب *وسائل الشیعه* قرار گرفته است؛ ۲. اصل دوم، کم بودن مهر است. در احادیث فراوانی کم بودن مهر، نشانه فضیلت زنان قرار گرفته و در مقابل از زیادی و کثرت مهریه تویخ شده و شیخ حر عاملی بابی را با عنوان «باب استحباب قَلِّ المهر و کراهه کثرته» بدین بحث اختصاص داده است (حر عاملی، ۱۴۰۹/ق/۲۱: ۲۴۹). لذا مهریه از امور تحول‌پذیر در گذر زمان و منوط به توافق طرفین بوده و نوع و مقدار آن را نمی‌توان موضوع قانون ثابتی قرار داد.

به‌طور کلی، قاعده مستفاد از روایات این باب، ارجاع تعیین مقدار و نوع اقسام مورد نظر به درخواست و تراضی طرفین عقد یا به عبارتی عرف جامعه است و هرچند در برخی از آن‌ها به تناسب از میزان یا مصادیق خاصی سخن به میان آمده، اما به اقتضای قاعده فوق، موارد مذکور، صرفاً به‌عنوان نمونه و از باب تطبیق قاعده بر مصادیق عینی ملاحظه می‌شوند؛ لذا به‌دلیل پیوند شدید قوانین و قواعد حقوقی با تحولات و آداب و رسوم و عرف جامعه و همخوانی گسترده احکام اجتماعی فقه اسلامی با عرف، نباید از نقش و اهمیت عرف غفلت کرد.

از چالش‌های نوظهور، تعیین مهریه‌های نجومی، نامتعارف و غیرمسبق است که معلول علل مختلفی از جمله احساس تفاخر، ضعف اعتماد عمومی و با هدف ایجاد محدودیت در حق طلاق مردان است (قاسم‌زاده، ۱۴۰۱/۱۲). هرچه به سال‌های اخیر نزدیک می‌شویم، با مهریه‌های متنوع‌تر و مختلفی مواجه می‌شویم. زوجین معمولاً ملک، پول و سکه را به‌عنوان مهریه تعیین می‌کنند، اما امروزه مواردی همچون رمزارزها به‌عنوان مهریه، مورد اقبال و نظر جوانان قرار گرفته است. آنچه مسلم است سابقه‌ای از این موضوع با محوریت مهریه در فقه و قوانین موضوعه کشور وجود ندارد و باید از لابه‌لای متون و مباحث فقهی و حقوقی، امکان تعیین و ثبت این نوع مهریه را کشف کرد. با بررسی دیدگاه مخالفان با تعیین

رمزارها به‌عنوان مهریه می‌توان چنین برداشت کرد که چون در شرع و قانون کشور باید مهریه حالت فیزیکی داشته باشد و قابل انتقال به زن باشد، پس تعیین مهریه با رمزارها را کار نادرستی تلقی می‌کنند، همچنین از آنجا که هنوز قانون مصوبی در رابطه با خرید و فروش بیت‌کوین وجود ندارد و به‌نوعی این کار غیرقانونی است، لذا نمی‌تواند در عقدنامه به‌عنوان مهریه قید شود. البته برخی با تأکید بر مالیت و ملکیت‌پذیری آن و همچنین قابلیت تبدیل به ارزهای رایج، معتقدند تعیین مهریه با رمزارها درست و صحیح است. برخی دیگر نیز معتقدند ارز دیجیتال ذاتاً مال نیستند، چون ضمانت اجرایی خارجی ندارند، ولی می‌توان با شرایطی آن را مال قرار داد.

با توجه به اختلافات مطرح‌شده، پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که آیا تعیین رمزارز بیت‌کوین به‌عنوان مهریه زوجه، مشروع و قانونی است؟ و آیا شرایط مهریه همچون منفعت عقلانی و شرعی را دارد؟ به نظر می‌رسد پاسخ به این سؤال، مستلزم بررسی شرایط مهریه از جمله مالیت و داشتن منفعت عقلایی، معین بودن، قابلیت تملیک و دیگر شرایط است و چنانچه رمزارزها واجد این شرایط باشند، تعیین آن به‌عنوان مهریه بلاشکال و در غیر این صورت، مهریه مذکور باطل و بلااثر است. روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی است. در گردآوری داده‌ها از روش بررسی اسناد، بهره گرفته شده است. از آنجا که تحقیق از نوع کیفی است و محقق در پی فهم عمیقی از مفهوم مورد نظر و ابعاد و جنبه‌های آن است، تمامی دیدگاه‌های فقهی مرتبط با موضوع پژوهش در سایر اسناد مرتبط در قالب کتاب و مقاله به‌عنوان جامعه تحقیق محسوب می‌شود.

۱. پیشینه تحقیق

پژوهشگران زیادی به جست‌وجوی ابعاد و آثار مختلف رمزارزها برآمدند و تحقیقات و نوشتار بسیاری از دیدگاه اقتصادی، اجتماعی، فقهی، قانونی و اصولی ارائه شده است که نشان از اهمیت و تأثیرگذاری بالای آن دارد. عمده مقالات و تحقیقاتی که درباره رمزارزها در مجامع علمی و دانشگاهی منتشر شده یا به موضوع‌شناسی بسنده کرده یا به ابعاد بانکی، حقوقی، فقهی و اقتصادی مسئله پرداخته‌اند؛ و از مقالات با رویکرد فقهی و

حقوقی برخی به صورت غیرمستقیم با مقاله حاضر مرتبط بوده و برخی دیگر فقط بخشی از موضوع مقاله را پوشش داده‌اند، ولی علی‌رغم جست‌وجوی فراوان، مقاله یا نوشتاری با محوریت نگاه فقهی و قانونی امکان قرار گرفتن ارزهای دیجیتال به عنوان مهریه یافت نشد. رستمی و همکار (۱۴۰۰) در مقاله «تحلیل ماهیت، آثار و چالش‌های اقتصادی و فقهی بیت‌کوین» با استفاده از روش تحلیلی به بررسی ماهیت و کارکرد رمزارزها به مثابه انواع جدید پول و بررسی چالش‌های رواج این رمزارز و مشکلات فقهی آن پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد بیت‌کوین از نظر اقتصادی، حقوقی و فقهی دارای چالش‌های متعددی است و بیشتر عقلا برای معاملات آن، سبب عقلایی و عرفی قائل نیستند و از این رو آن را از مصادیق اکل مال به باطل دانسته‌اند.

جدیدیان (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ماهیت فقهی و حقوقی بیت‌کوین» با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به این نتیجه رسیده است کشورهای غربی، آمریکا، چین و غیره این نوع ارز را دیجیتالی را به رسمیت شناخته و بر آن قوانینی را وضع کرده‌اند، اما در جوامع شیعه و اهل سنت چه داخل ایران و سایر کشورها به طور کامل این نوع ارز را باطل اعلام کرده‌اند.

آذری و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی احکام فقهی ارز مجازی: مطالعه موردی بیت‌کوین» معتقدند که دیدگاه فقه در مقابله با موارد مستحدثه مالی از جمله بیت‌کوین تأییدی است. پول مورد تأیید فقه شیعه محصور به وجوه نقد نیست. مالیت یک ارز رابطه مستقیمی با مطلوبیت آن در میان عرف عقلا و مردم دارد. در فقه شیعه هیچ قید و مبنایی مبنی بر آنکه مالیت ایجادشده از مزایای مصرف‌گرایی باشد، وجود ندارد و ارز مجازی و بیت‌کوین مالیت دارد.

مهدی مددی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «جستار فقهی حقوقی در مسئله قانونمندیسازی (ارزهای رمزنگاری‌شده)»، ضمن نقد دیدگاه فقها در مورد معایب رمزارزها و از جمله ربوی و غرری بودن آن، بر قانونمندیسازی رمزارزها تأکید کرده‌اند تا هم بتوان مالیات آن را اخذ کرد و هم مشکلاتی نظیر پول‌شویی را رفع نمود.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. مهر

مهر در لغت به معنای پول یا مالی است که بر ذمه شوهر گذاشته می‌شود تا به زوجه بدهد (معین، ۱۳۶۲: ۴۴۶۲) و در اصطلاح چیزی است که زوجین در نکاح دائم و موقت بر آن توافق کرده‌اند که بر عهده زوج و به نفع زوجه است (ابن زهره، ۱۴۱۷ق: ۳۴۶) و نیز مالی است که به مناسبت عقد نکاح، مرد ملزم به دادن آن به زن می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۱/ ۱: ۱۳۸)؛ مالی است که زوج برای نکاح به زوجه تملیک می‌کند (امامی، ۱۳۶۶/ ۴: ۳۷۸).

قانون مدنی تعریفی از مهریه ارائه نمی‌دهد، اما فصل هفتم از کتاب هفتم قانون مدنی به‌طور کامل به مهریه و شرایط آن اختصاص دارد. برحسب اینکه مهر در زمان وقوع عقد تعیین شود، یا مجهول باشد، انواعی دارد که عبارت‌اند از: مهرالمسمی، مهرالمثل و مهرالمتعه. اصطلاح مهرالمسمی از فقه اسلامی گرفته شده و در ماده ۱۱۰۰ قانون مدنی به کار رفته است. مهرالمسمی عبارت از مال معینی است که به عنوان مهر با توافق زوجین تعیین می‌شود یا شخصی که زوجین انتخاب کرده‌اند، معین می‌کند (صفایی، ۱۳۸۹: ۱۲۵). در بین اقسام مهر آنچه بیشتر با موضوع مقاله ارتباط دارد مهرالمسمی است و مهرالمثل و مهرالمتعه خارج از موضوع این بحث‌اند.

۲-۲. رمز ارزها

رمزارز یک دارایی دیجیتال است که در تولید واحدها و نقل و انتقال آن از تکنیک رمزگذاری استفاده می‌شود و غالباً به‌صورت غیرمتمرکز تولید و مبادله می‌شود (ذاکری، ۱۴۰۰: ۴۸۸). اتریوم و بیت‌کوین معروف‌ترین ارزهای بازار ارز دیجیتال است.

۳. امکان‌سنجی قرارداد تعیین مهریه رمز ارز

قراردادی که زوجین برای مهر می‌بندند، قراردادی مالی تبعی است، لذا شرایط اساسی صحت معامله درمورد قرارداد مهر نیز لازم‌الرعايه است. قانون مدنی شرایطی را برای صحت مبادلات و معاملات مطرح کرده است که بخشی از آن مربوط به موضوع عقد (عوضین) می‌شود. مجموع مواد ۱۹۰ و ۲۱۴ - ۲۱۶ و ۳۴۸ قانون شرایط مورد معامله را

مالیت داشتن، عقلایی بودن منفعت آن، مشروع بودن، مقدورالتسلیم بودن، معین بودن و انتقال‌پذیر بودن، بیان کرده است (منصور، ۱۴۰۳: ۱۰۶). همچنین رعایت مقررات و قواعد اختصاصی مهریه که در مواد ۱۰۷۸ تا ۱۱۰۱ قانون مدنی بدان تصریح شده ضروری است. حال برای پاسخ به سؤال این مقاله درخصوص تعیین رمزارز به‌عنوان مهریه، باید مجموعه این شرایط و مقررات به‌صورت موردی و دقیق مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

۳-۱. احراز مالیت رمز ارزها

طبق ماده ۲۱۵ قانون مدنی، مورد معامله باید مالیت داشته و متضمن منفعت عقلانی مشروع باشد (امامی، ۱۳۶۶: ۸۹). مهریه نیز وفق ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی در عقد نکاح باید واجد وصف مالیت و تملک باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۱۳۸). لذا چیزهایی را که مالیت ندارد، یعنی به‌صورت متعارف نمی‌توان مورد خرید و فروش قرار داد یا مالکیت آن متعلق به اشخاص نبوده و قابل تملک خصوصی نیست نمی‌توان مصداقی از مهریه (مهر) قرار داد. حال سؤال این است که آیا می‌توان رمزارزها را که وجود فیزیکی و مادی نداشته و فاقد وابستگی به یک پایگاه خارجی است و ناشران یا مخترعان مجهول دارد مال قلمداد کرد و مانند سایر ارزهای کاغذی از جمله یورو و دلار می‌توان مهریه قرار داد؟ پاسخ به این سؤال درگرو پرداختن به مفهوم مال است. با توجه به نقش بسیار مؤثر و تعیین‌کننده عرف عقلا در فقه معاملات، درباره مالیت رمزارزها باید ابتدا تحقق عناوینی مانند مال بودن را مورد واکاوی و تحلیل قرار دهیم. سپس با بررسی ماهیت فقهی و عرفی رمزارزها به ماهیت معاملات با رمزارزها بپردازیم.

«مال» از مصدر «میل» گرفته شده و چیزی است که انسان به‌سوی آن متمایل می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۷۸۳) و چیزی است که مورد توجه، میل و رغبت انسان قرار دارد و انسان می‌خواهد آن را به ملکیت خود درآورد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق/ ۱۱: ۶۳۲). مال ازجمله مفاهیمی است که در گذر زمان مفهوم و مصداق ثابت و یکسانی نداشته و همراه با تحولات اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی، توسعه مفهومی و مصداقی پیدا کرده است

(عبدی‌پور، ۱۳۸۹: ۸۸). امروزه با گسترش فزاینده اینترنت و پیدایش اصطلاح اموال مجازی در حوزه تجارت الکترونیک، تحقق عنوان و توسعه مفهوم مال و معیار مالیت بر مصادیق نوظهور اموال در فضای مجازی و اشیای موجود در آن امری ضروری است که این موارد در عرف تجارت و کسب و کارهای الکترونیک مورد شناسایی و پذیرش عرفی قرار گرفته است. درخصوص رمزارزها که گونه‌ای جدید از اموال با وصف مجازی‌اند دو نوع مواجهه حقوقی می‌توان متصور بود که عبارت‌اند از: شناسایی قانونی آن‌ها و تعیین رژیم حقوقی مناسب، تحلیل آن‌ها در قالب یکی از اشکال اموال سنتی و جایابی در نظام حقوق و اموال و مالکیت کنونی.

در قانون به دلیل بدهت موضوع، تعریف واضحی از مال نداریم، اما نزد فقیهان بحث‌های مفصلی در این زمینه مطرح شده است. منشأ اختلاف تعابیر فقها در تعریف مال آن است که مال حیثیت واقعی نداشته، بلکه از امور اعتباری است که وابسته به اعتبار عقلاست که بسته به زمان‌ها و مکان‌های مختلف، این اعتبار متفاوت خواهد بود. از این رو ممکن است چیزی در زمانی از نظر عرف و عقلا مال نباشد و در زمانی دیگر همان شیء مال محسوب شود و بالعکس. فقیهان در تعریف مال گفته‌اند: «ما یبذل بازائه المال»؛ مال آن چیزی است که درمقابل آن، مال پرداخت می‌شود (نائینی، ۱/۱۳۷۳: ۳۳۹). همچنین، تعریف مال به عناصری مانند مقدار نیاز افراد و کاری که برای وصول به آن صرف شده، تعریف شده است (ایروانی، ۱۴۰۶ق/ ۱: ۱۶۵). از معاصران نیز شهید صدر با توجه به ارتباط دو عنصر منفعت و قیمت، رغبت نوع مردم به چیزی را ناشی از منفعت آن شیء و این منفعت را ملاکی برای قیمت آن شیء می‌داند (صدر، ۱۴۱۷ق: ۱۹۸). امام خمینی به جای لحاظ کردن منفعت که واجد نوعی محدودیت است، به غرض عقلایی اعم از سیاسی و غیرسیاسی توجه و دامنه مالیت یک شیء را گسترده‌تر و وسیع‌تر تعریف کرده است (خمینی، ۱۴۱۵ق/ ۱: ۲۴۶). لذا مالیت از منظر مشهور فقها با شروط مختلفی محقق می‌شود. از جمله آن شروط اینکه شیء قابلیت انتفاع داشته و نزد عقلا دارای منفعت پذیرفتنی باشد و نیز شارع آن منفعت را ممنوع نکرده باشد. در کلام برخی از فقیهان به شرط دیگری اشاره شده و آن این است که «آن شیء از ندرت نسبی برخوردار باشد؛ یعنی شیء به راحتی

قابل دسترسی نباشد و برای به دست آوردن آن نیاز به کارهایی باشد که عقلا برای به دست آوردن آن شیء از یکدیگر پیشی بگیرند و با هم دیگر رقابت کنند» (سلطانی و اخوان هزاره، ۱۳۹۱: ۱۷). برخی حقوقدانان نیز در تعریف مال گفته‌اند: مال شیئی است که به علت منافع واقعی یا اعتباری مورد رغبت عقلا بوده و در مقابل آن نقدینه یا چیزی دیگر می‌پردازند، مانند غذا، لباس، کتاب و غیره (گرگی، ۱۴۰۲ / ۲: ۳۱۱). نتیجه آنکه داشتن شرایطی مانند ارزش ذاتی یا اعتباری، میل و رغبت عقلا به چیزی، قابلیت انتفاع و منفعت، عدم ممنوعیت شارع، ندرت نسبی و رقابت در تصاحب چیزی، عنوان مال را بر آن صادق می‌کند.

با توجه تعاریف ارائه شده از مال، در بحث مالیت فقهی رمزارزها برخی از پژوهشگران معتقدند اصولاً رمزارزها «مال» نیستند و ضمانت اجرای فقدان مالیت شرعی و اثر وضعی آن، بطلان قرارداد است. در مقابل برخی دیگر آن‌ها را مال و آثار صحت قرارداد را مترتب دانسته‌اند. در این بخش، ابتدا به تبیین دیدگاه‌ها و سپس به تحلیل آن‌ها پرداخته می‌شود.

۳-۱-۱. دیدگاه مخالفان مالیت رمز ارزها

قائلان این دیدگاه به دلایل مختلفی مانند فقدان اعتباردهنده، عدم بنای عقلا بر انجام و پذیرش رمزارزها، فقدان ضمانت اجرایی خارجی، و همچنین سفهی بودن و غرری بودن این نوع معاملات استناد کرده‌اند (میرزاخانی و سعدی، ۱۳۹۷: ۸۰). به اعتقاد ایشان وقتی بخواهیم یک دارایی را معامله کنیم، آن دارایی یا باید دارای ارزش ذاتی باشد که به خاطر آن مالیت یابد و قابل معامله باشد یا اینکه دارای ارزش اعتباری باشد و براساس جایگاه اعتباردهنده بتوان گفت این دارایی تا چه میزان اعتبار و ارزش دارد و بر همین اساس بتوان آن را معامله کرد. لذا رمزارزی مثل بیت کوین براساس اطلاعات موجود از آن، از لحاظ مالیت مورد تردید واقع شده، زیرا هیچ شناختی از اعتباردهنده‌اش وجود ندارد تا بدانیم که این اعتباردهنده کیست و چه وظایف و تعهداتی را در قبال آن برعهده گرفته است.

برخی معتقدند که برای رمزارزها نمی‌توان مالیتی قائل شد، چراکه عقلای جامعه به جهت فقدان پشتوانه مالی، غیرمتمرکز بودن و ابهاماتی که در مورد آن وجود دارد، بدان

تمایلی ندارند (محمودی، ۱۳۹۸: ۵۱۲؛ میرزاخانی و سعدی، ۱۳۹۷: ۷۹). به تعبیر دیگر، اگر به لحاظ موضوع‌شناسی، «رمزارز» مال نباشد، آنگاه معاملات انجام‌شده با آن نیز از نظر شرعی زیر سؤال می‌رود و معاملات آن باطل خواهد بود، زیرا آنچه شرعاً می‌تواند مبادله شود، مال است و وقتی مالی در میان نباشد و بگوییم «رمزارز» فاقد عنصر مالیت است، نمی‌توان آن را خرید و فروش کرد. به اعتقاد برخی، رمزارزها پولی مبهم هستند، زیرا اساس وجود و چگونگی مالیت آن مبهم است. در نتیجه، از لحاظ مبانی فقهی و حقوقی، معامله با آن، معامله غرری است، زیرا اصل وجود و مالیت داشتن آن و نیز اندازه اعتبار آن و اینکه پشت این پول، اعتباردهنده‌ای مسئول و متعهد وجود داشته باشد، مشکوک است (علوی و ثوقی و غلامی، ۱۴۰۲: ۳۴۰). بنا به دیدگاه این افراد، نمی‌توان رمزارز را به‌طور رسمی پول تمام‌عیار و ارز دیجیتال قلمداد کرد، زیرا به‌رغم داشتن برخی از خصوصیات پول، همچنان فاقد کارکردها و ویژگی‌های اصلی پول اعتباری است و تنها با تسامح می‌توان آن را پول نامید.

۳-۲-۱. دیدگاه موافقان مالیت رمز ارزها

قائلان این دیدگاه معتقدند طبیعت غیرملموس، غیرعینی و غیرفیزیکی رمزارزها موجب خروج رمزارزها از مفهوم مال نخواهد شد. همچنین براساس معیارهای فقهی مالیت داشتن یک شیء، مبنی بر اینکه شیء دارای رغبت باشد؛ به‌گونه‌ای که عقلاً حاضر به پرداخت عوض در قبال آن بوده و نیز از ندرت نسبی برخوردار باشد، می‌توان گفت ارزهای دیجیتال واجد شرایط مالیت هستند (علوی و ثوقی و غلامی، ۱۴۰۲: ۳۴۳)، چراکه مورد رغبت عقلاً هستند و اتفاقاً در دنیای امروزی در قبال آن عوضی داده می‌شود (چیت‌سازیان و خورسندی، ۱۴۰۰: ۱۱۸).

از نظر موضوع‌شناسی رمزارزها نیز می‌توان گفت که «تعیین موضوعات به دست عرف عقلاست نه شرع؛ بنابراین، "بیت‌کوین" مال است و مال بودن آن را عرف تعیین می‌کند و در عرف با "بیت‌کوین" به‌عنوان مال معامله می‌شود» (عبدی‌پور، ۱۳۸۹: ۵۳). به تعبیر دیگر، مفهوم مالیت را امری اعتباری نزد عقلاً در نظر می‌گیریم که ناشی از میزان مقبولیت

و مرغوبیت آن نزد مردم است، به نحوی که برای به دست آوردن آن رقابت یا حتی منازعه می‌کنند؛ اعم از آنکه برای رفع ضروریات اولیه باشد یا تحصیل لذت (حکیم، بی تا: ۳۲۶). البته اگر بپذیریم رمزارزها مبتنی بر زنجیره رمزنگاری شده براساس فرمول و قوانین ریاضی است که ایجاد این زنجیره برای دارنده آن، حق انحصاری مالی ایجاد می‌کند، می‌توان گفت این فرد می‌تواند این حق مالی را به دیگران نیز انتقال دهد. در واقع، کسی که رمزارزی را ایجاد می‌کند، نوعی ابداع و نوآوری فکری ایجاد می‌کند که به عنوان پول رمزنگاری شده، قابلیت نقل و انتقال دارد (نوری و نواب‌پور، ۱۳۹۶: ۷۸). از منظر دیگر، رمزارزها به رغم فقدان پشتوانه، مورد اقبال عرف و عقلاست و از آنجاکه در فقه، نبود پشتوانه لزوماً حکم بطلان را در پی ندارد، می‌توان رمزارزها را به عنوان پول مجازی در دنیای امروز پذیرفت و مستند فقهی آن را پذیرش عرف قرار داد. همچنین، اگر آن را نه به عنوان پول، بلکه تنها به عنوان کالایی ارزشمند در تبادل مالی بپذیریم، باز هم فقدان پشتوانه تأثیری بر جواز این شیوه از تبادل نمی‌گذارد (علوی وثوقی و غلامی، ۱۴۰۲: ۳۴۴). به تعبیر دیگر رمزارزها، نزد آشنایان با این بازار، به سبب منافی که دارد مرغوب است. از این رو، در مالیت عرفی آن تردیدی نیست. همچنین از آنجاکه این رمزارزها قابلیت استفاده در جهات حلال، همچون پرداخت بهای کالاهای مباح خریداری شده را دارند و منفعت محله نیز برای آن متصور است، مالیت شرعی آن نیز قابل پذیرش است. لذا با توجه به مفاهیم پیش گفته رمزارزها در هر نوع، شکل و قالب، گونه‌ای از اموال قلمداد شده و مالیت اعتباری ندارد و این مالیت، نه از طرف حکومت بلکه از سوی اجتماع و استفاده‌کنندگان آن، اعتبار شده است.

بنابراین می‌توان گفت مالیت در ردیف امور اعتباری قرار دارد و نه در ردیف امور حقیقی لذا هر شخصی به دنبال مرغوبیت و مطلوبیتی است که از خرید و فروش یک شیء برای او حاصل می‌شود. قطعاً هیچ انسان عاقلی کار عبث و بیهوده نمی‌کند و آنچه به عنوان مورد معامله قرار می‌دهد برای او دارای مطلوبیت و منفعت است. لذا رمزارزها امروزه علی‌رغم مجهول بودن مخترعان و ناشران و فقدان پشتوانه، از نظر عقلا و عرف مقبولیت و پذیرش لازم را دارا بوده و به دلیل رغبت مردم و پرداخت عوض در قبال آن و نیز ندرت

نسبی واجد شرایط و وصف مالیت است. لذا به‌عنوان پول مجازی یا سرمایه و دارایی دیجیتال در دنیای امروز و نزد کاربران فضای مجازی شناخته شده است. به تعبیر دیگر رمزارزها، نوعی دارایی غیرفیزیکی‌اند که در جوامع ارزش و مالیت یافته‌اند و افراد برای به‌دست آوردن آن‌ها هزینه می‌کنند.

۳-۲. منفعت عقلایی مشروع

از مواد ۲۱۵ و ۳۴۸ قانون مدنی استنباط می‌شود مال موضوع مهریه باید متضمن منفعت عقلایی و مشروع باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۱۳۸)؛ یعنی از نظر عقلا منفعتی برای آن متصور باشد که مورد حمایت قانون است. به تعبیر دیگر، هر چه مخالف با قواعد آمره ناشی از قانون یا شرع باشد، نامشروع است. در نتیجه، منفعتی که ممنوع و غیرقانونی باشد موجب بطلان معامله می‌شود. ملاک تشخیص منفعت عقلایی، بنای عقلا و داوری عرف است (نجفی، ۱۳۶۸: ۳۴۳). البته در اینکه منفعت مدنظر، مورد پذیرش شارع یا قانون‌گذار هم باشد یا اینکه وجود منفعت عرفی برای تحقق مفهوم مالیت کفایت می‌کند، بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. برخی فقیهان بر اعتبار شرعی توسط شارع تأکید دارند (محقق کرکی، ۱۴۱۱ق/۴: ۸۹؛ حلی، ۱۴۱۰ق/۱: ۳۵) و برخی دیگر از فقها به‌صراحت ملاک مالیت و منفعت را اعتبار عرفی (خمینی، ۱۴۲۱ق/۳: ۴؛ نجفی، ۱۳۶۸: ۲۲: ۳۸) و عقلایی (خوانساری، ۱۴۰۵ق/۳: ۱۲) دانسته‌اند.

موافقان از فقها معتقدند که ملاک مالیت وجود نفع عقلایی عرفی در اشیاست و نه نفع عقلایی شخصی یا خاص؛ به این معنی که اکثر عقلا وجود چنین نفعی را در شیء تأیید کنند. فرقی هم نمی‌کند که این منفعت کم باشد یا زیاد. یا اینکه این منفعت به کرات اتفاق بیفتد و یا به ندرت. از سوی دیگر با توجه به مزایای فراوان رمزارزها، رغبت عقلا نسبت به آن‌ها روزافزون است به طوری که وارد فضای اقتصادی کشورها شده است و نقش جدی در آن‌ها دارد تا آنجا که استفاده از رمزارزها در بسیاری از حوزه‌های اقتصادی و غیراقتصادی کارگشاست و شاید بتوان گفت که نیازی به بحث‌های ماهوی آن از نظر شارع نیست، زیرا در میدان عمل کارایی آن نزد عقلا ردشدنی نیست. به‌علاوه، رمزارزها به دلیل سیستم مبتنی

بر محاسبات ریاضی و رمزنگاری، کمیاب و منحصر به فرد محسوب می‌شوند، چرا که با محاسبات پیچیده ریاضی می‌توان به آن‌ها دست یافت.

آنچه در مالیت مورد معامله، نقش اساسی دارد، همان منفعتی است که عقلاً برای تحصیل آن به نقل و انتقال اشیا رضایت می‌دهند. هر کس به دنبال مرغوبیت و مطلوبیتی است که از خرید و فروش یک شیء برای او حاصل می‌شود. قطعاً هیچ انسان عاقلی کار عبث و بیهوده نمی‌کند و معمولاً کسی که به خرید خاک، خون و نطفه می‌پردازد برای تدارک مقاصدی است، اما اینکه آیا مقصود و مطلوبیتی که نزد افراد، مطرح است و آن‌ها را به انجام معامله سوق می‌دهد، لزوماً از طرف شارع هم مورد رضایت هست یا خیر، معلوم نیست. یادآور می‌شویم در متون قانونی نیز تعریفی از مال مشاهده نمی‌شود که گویای قانونی بودن و عرفی بودن این مفهوم است (شاه ملک‌پور و دریایی، ۱۳۹۹: ۱۵۵). لذا منفعت مورد نظر برای تحقق مفهوم مالیت، لازم نیست دارای وجود حقیقی و مطلق باشد و منفعت مزبور می‌تواند امری اعتباری باشد و به جای توجه به نظر شارع یا قانون‌گذار برای تشخیص آن، باید داوری عرف را پذیرفت.

در مقابل ایشان، گروهی دیگر از فقها و حقوق‌دانان، استدلالشان این است که تعیین رمزارز منفعت عقلایی و شرعی نداشته و به ضرر زوجه است، لذا زوجه نمی‌تواند برای اجرایی کردن مهریه خود در محاکم به آن، به‌عنوان مهریه استناد کند، چون از طریق نامشروع و غیرقانونی به دست آمده است و منشأ قانونی ندارد، لذا تعیین آن به‌عنوان مهریه فاقد ارزش قانونی بوده است و با توجه به متغیر بودن ارزش مالی و احتمال کم و زیاد شدن در ارزش و بهای معامله، معامله صورت گرفته غرری بود و از نظر قانونی باطل است (حکمت‌نیا، ۱۳۹۲: ۷). لذا بر عدم درج کردن آن در سند ازدواج به‌عنوان مهریه متفق‌القول هستند. همچنین مخالفان برای اثبات مخدوش بودن مهریه رمزارز به قاعده بطلان معاملات سفهی استناد می‌کنند (بهاروندی، ۱۳۸۸: ۲۳۹). از نظر فقهی در صورت وقوع معامله سفهی، چنین معامله‌ای از نظر شرع و قانون‌گذار نافذ نیست و قابلیت تصحیح متأخر را نیز ندارد. بر همین اساس، از نظر شارع تنها معاملاتی که میان مردم متعارف باشد، صحیح است و معامله سفهی میان عرف، متعارف نیست و غرض عقلایی به آن تعلق نمی‌گیرد.

در نقد این موارد باید بگوییم که ارزش رمزارزها همواره تابع ساختار فنی و میزان تقاضا بوده است و تا زمانی که مردم به خرید رمزارزی اقبال نشان دهند، ارزش و قیمت آن بالاتر می‌رود؛ بنابراین اگر مثلاً بیت‌کوین، بیشتر از ارزهای رایج ارزش دارد به دلیل ساختار فنی و افزایش تقاضای آن است. همچنین ملاک کشف عقلایی بودن یک معامله، عرف است و راه شناخت معامله سفهی، توجه به هدف از انجام آن معامله است. امروزه در جامعه معاملاتی صورت می‌گیرد که برخلاف عرف است و عقلاً آن را تأیید نمی‌کنند. گاهی تصور می‌شود ریسک بالا موجب غرر می‌شود؛ در حالی که غرر و مقوله ریسک با یکدیگر تفاوت دارند. در واقع، اگر ریسک و نااطمینانی، ناشی از جهالت و ابهام در ارکان قراردادها باشد، مصداق غرر خواهد بود، اما چنانچه ریسک، ناشی از ابهام و جهالت نسبت به آینده دارایی باشد، مصداق غرر نیست و از این حیث معامله اشکالی نخواهد داشت (مراد نجف‌آبادی و کافی‌موسوی، ۱۴۰۰: ۲۷). بنابراین، با دقت در ماهیت غرر و تفاوت آن با پدیده ریسک، می‌توان به این نتیجه رسید که غرر قابل توجهی در رمزارزها و معاملات مرتبط با آنها قابل تصور نیست.

۳-۳. قابلیت تملک

از دیگر شروط برای تعیین مهریه، «قابل تملک بودن» است. مطابق ماده ۱۰۷۸ ق.م.هر چیزی را که مالیت داشته باشد و قابل تملک باشد می‌توان مهر قرار داد (کاتوزیان، ۱/۱۳۷۱: ۱۵۶). ویژگی قابلیت تملک داشتن موضوع مهریه باعث می‌شود آن مهریه داخل در ملکیت زن شود و قابل انتقال گردد. لذا اماکن ملی و عمومی یا ملکی که متعلق به دیگری است قابلیت تملک ندارد. ارزهای رمزنگاری شده در اصل قابلیت تملک دارند. شخصی که یک بیت‌کوین را از طریق استخراج‌گری و یا معامله به دست می‌آورد، رابطه مالکیت وی با بیت‌کوین برقرار می‌شود و فرد می‌تواند هرگونه تصرفی (از جمله انتقال و یا اعراض) در آن انجام دهد. شبکه بیت‌کوین نیز پس از آنکه مالکیت یک فرد بر یک بیت‌کوین ثابت شد از آن محافظت خواهد کرد و مالکیت فرد را به صورتی شفاف در معرض دید همگان قرار خواهد داد (مددی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۱۵).

۳-۴. معین و معلوم بودن

مطابق بند ۳ ماده ۱۹۰ قانون مدنی، یکی از شرایط اساسی صحت معامله، معلوم و معین بودن مورد معامله است (منصور، ۱۴۰۳: ۱۷۹). معلوم بودن مورد معامله، یعنی اینکه طرفین از مشخصات اساسی آن، از قبیل جنس و وصف و مقدار، اطلاع داشته و معین بودن به این معناست که در اموال عینی، دقیقاً مصداق مورد معامله، مشخص شده و مورد میان دو یا چند مورد نباشد. در حقوق اسلامی نیز با قاعده‌ای مواجه می‌شویم که تخلف از شرایط مزبور را، موجب غرری شدن معامله و بطلان آن دانسته است. در خصوص معلوم و معین بودن ثمن در قالب بیت‌کوین نیز نظرات مختلفی وجود دارد. فقها در بخش شروط عوضین، به بحث از معلوم و معین بودن ثمن و مثنی می‌پردازند و آن را شرط صحت بیع می‌دانند (نجفی، ۱۴۰۴ق/ج ۲۲: ۴۰۵) و شیخ انصاری در مکاسب، این شرط را اجماعی دانسته و حکم به بطلان را به کتاب‌هایی، مانند سرائر، مختلف، تذکره و روضه نسبت داده است (انصاری، ۱۴۱۱ق/ج ۱۱: ۱۷۴). طبیعتاً انجام معاملاتی که در آن، عوضین یا یکی از آن‌ها معلوم و معین نباشد، سفیهانه خواهد بود. امروزه با رشد بن‌سازه‌های مربوط به خریدوفروش رمزارزها، می‌توان ثانیه به ثانیه از قیمت‌ها مطلع بود و به خریدوفروش رمزارزهایی با مقدار معلوم و معین اقدام کرد (نبوی و صابر، ۱۳۹۹: ۱۸۰)، لذا به نظر نمی‌رسد در این حوزه مشکل جدی وجود داشته باشد.

۳-۵. قدرت بر تسلیم

فقها شرط قدرت بر تسلیم را در زمره شروط صحت بیع آورده (نائینی، ۱۴۱۳ق/ج ۲: ۲۶۴) و حتی برخی، شرط بودن آن را اجماعی دانسته‌اند (میرزای قمی، ۱۴۱۳ق/ج ۲: ۱۴۲) یا این اجماع را به بزرگان نسبت داده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق/ج ۲۲: ۳۸۵). قانون مدنی ایران نیز در ماده ۳۴۸ می‌آورد: «... یا چیزی که باع قدرت بر تسلیم آن ندارد، باطل است، مگر اینکه مشتری خود قادر بر تسلیم باشد». برخی، دلیل باطل بودن عقدی را که امکان تسلیم آن وجود ندارد غیرعقلایی بودن شرط، ذکر می‌کنند (اشتهدادی، ۱۴۱۷ق/ج ۲۷: ۲۲) و برخی هم در چنین حالتی، آن را مصداق غرر می‌دانند (جزائری، ۱۴۱۶ق/ج ۷: ۵۸۲).

این اشکال و شبهه هم در مورد رمزارزها صادق نیست، چون در مورد رمزارزها هم تسلیم قابل تصویر است؛ اگر تسلیم را تصویر کنیم، قدرت بر تسلیم حاصل است. ما اول باید تصویر کنیم که اساساً تسلیم رمزارز چگونه ممکن است تا به تبع آن، قدرت بر تسلیم معنایش معلوم شود؛ تسلیم و تحویل دادن رمزارز به این نحو قابل تصویر است که آن اعداد و ارقام و آن کلیدهای خاص یا عام آن‌ها را در اختیار طرف مقابل قرار بدهد همان‌طور که پیام‌ها و اطلاعات در فضای مجازی از طریق رایانه‌ها در قالب اعداد و ارقام و رموز منتقل می‌شود. پس ارسال اطلاعات، پیام‌ها، اعداد و پول، این خودش بهترین مؤید و شاهد بر این است که امکان ارسال رمزارز به طرف مقابل وجود دارد. از طرف دیگر باید قدرت بر تسلیم هم وجود داشته باشد بدین بیان بتواند در این بستر مجازی، رمزارزها را به دیگری منتقل کند و تحویل او بدهد. گاهی این تحویل دادن‌ها صرفاً در عالم اعتبار صورت می‌گیرد و تسلیم خارجی در کار نیست. رمزارز هم همین‌طور است؛ رمزارز مقدورالتسلیم است؛ کسی که رمزارز را می‌فروشد یا می‌خرد، بالأخره این فروشنده قدرت بر تسلیم رمزارز را دارد، به اینکه همین کیف پول را با شیوه‌ای که گفته شد ارسال می‌کند به‌ضمیمه کلید آن. نتیجه آنکه از جمله ویژگی‌های مهم رمزارزها، خرید و فروش برخط است که این قابلیت، با توجه اعتبار صرافی ثبت‌نام شده و بن‌سازهای که استفاده می‌کنند، سبب می‌شود در همان لحظه که فروش اتفاق می‌افتد، انتقال نیز صورت گیرد، لذا رمزارزها مشکلی از این جهت ندارند (نبوی و صابر، ۱۳۹۹: ۱۸۲).

نتیجه

با بررسی شبهات حقوقی و فقهی مطرح‌شده پیرامون رمزارزها در زمینه احراز مالیت، منفعت عقلایی مشروع، قابلیت تملک و امکان تعیین و تسلیم به این نتیجه می‌توان رسید که ارزهای مجازی مالیت اعتباری دارند و از نظر عقلا و عرف، مقبولیت و پذیرش لازم را پیدا کرده‌اند و به دلیل رغبت مردم و پرداخت عوض در قبال آن، واجد شرایط و وصف مالیت است. همچنین می‌توان ثانیه به ثانیه از قیمت و مقدار آن مطلع شد. علاوه بر این، رمزارزها

مقدورالتسلیم هستند و فروشنده قدرت بر تسلیم رمزارز را دارد و ریسک و نااطمینانی، ناشی از جهالت و ابهام در مبادلات رمزارزها جایی ندارد.

ریسک ناشی از ابهام و جهالت نسبت به آینده دارایی، مصداق غرر نیست و از این حیث نیز اشکالی بر جهل قیمت آینده نیست و با دقت در ماهیت غرر و تفاوت آن با پدیده ریسک، می‌توان به این نتیجه رسید که غرر قابل توجهی در رمزارزها و معاملات مرتبط با آن، قابل تصور نیست.

در نهایت، رمزارزها یا پول‌های مجازی، دارای شرایط قرار گرفتن به‌عنوان مهریه را داشته و منع قانونی و فقهی قابل‌اعتنایی متوجه آن نیست.

پس از پذیرش امکان تعیین رمزارز به‌عنوان مهریه دو موضوع دیگر نیز قابل بررسی خواهد بود

آیا قوانین ثبت اسناد اجازه ثبت رمزارز را به‌عنوان مهریه می‌دهد و نحوه نگارش صحیح آن به چه نحوی است؟

در صورت مثبت بودن پاسخ سؤالات فوق نحوه مطالبه مهریه به چه نحوی است؟

منابع

الف) منابع فارسی

- آذری، سکینه، افضل‌ی گروه، روح‌اله، و تارم، میثم (۱۴۰۰)، «بررسی احکام فقهی ارز مجازی: مطالعه موردی بیت‌کوین»، **مطالعات فقه اقتصادی**، شماره ۳ (۴).
- امامی، سید حسن (۱۳۶۶)، **حقوق مدنی**، تهران: اسلامیه.
- بهاروندی، احمد (۱۳۸۸)، «بیان و اثبات تفاوت ماهوی مبنی بر غرر و "قراردادهای پوشش ریسک" از منظر فقه امامیه»، **راهبرد یاس**، شماره ۱۸.
- چیت‌سازیان، مرتضی و خورسندی، زهرا (۱۴۰۰)، «ماهیت و مالیت ارزهای دیجیتال از منظر فقه مقارن»، **فقه مقارن**، شماره ۹.
- حکمت‌نیا، محمود و جعفر زمانی (۱۳۹۲)، «وضعیت حقوقی معاملات سفهی در فقه امامیه و حقوق ایران»، **حقوق اسلامی**، شماره ۳۶.
- ذاکری، سید روح‌الله (۱۴۰۰)، «نقد دو دلیل بر حرمت استخراج بیت‌کوین و اثبات حلیت آن به‌عنوان جعاله»، **فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی**، شماره ۴۹.
- رستمی، محمدزمان و رستمی، محمدهادی (۱۴۰۰)، «تحلیل ماهیت، آثار و چالش‌های اقتصادی و فقهی بیت‌کوین»، **معرفت اقتصاد اسلامی**، شماره ۱۲ (پیاپی ۲۴).
- روشن، محمد، مظفری، مصطفی، و میرزایی، هانیه (۱۳۹۸)، «بررسی وضعیت فقهی و حقوقی بیت‌کوین»، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، شماره ۸۷.
- سلطانی، محمد و اخوان هزاوه، حامده (۱۳۹۱)، «ماهیت و قواعد حقوقی توثیق سهام»، **بورس اوراق بهادار**، شماره ۵ (۱۷).
- شاه‌ملک‌پور، حسن و دریایی، رضا (۱۳۹۹)، «جستاری نقادانه پیرامون مالیت مورد معامله از منظر فقه مذاهب اسلامی»، **فقه مقارن**، شماره ۱۶.
- صفایی سیدحسین (۱۳۸۹)، **دوره مقدماتی حقوق مدنی (اشخاص و اموال)**، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- عبدی‌پور، ابراهیم (۱۳۸۹)، «تحلیل حقوقی ماهیت پول الکترونیکی»، **حقوق خصوصی**، شماره ۱۶.
- علوی وثوقی، سید یوسف و غلامی، هادی (۱۴۰۲)، «نگاهی نو به ماهیت فقهی رمزارزها و معاملات آن»، **دوفصلنامه علمی پژوهش‌نامه فقه اجتماعی**، شماره ۲.
- قاسم‌زاده، مرتضی (۱۴۰۱)، «تعدیل مهر»، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی**، شماره ۱۹ (۶۷).
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۱)، **حقوق مدنی خانواده**، تهران: بهمن برنا.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۴۰۲ق)، **مقالات حقوقی مالکیت در اسلام**، تهران: دانشگاه تهران.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸)، **دوره متوسط شرح قانون مدنی (حقوق اموال)**، تهران: گنج دانش.
- محمودی، اصغر (۱۳۹۸)، «تحلیل ارزهای مجازی در پرتو فقه»، **مطالعات حقوق خصوصی**، شماره ۳.
- مددی، مهدی، قائمی خرق، محسن، و شفیعی، قاسم (۱۴۰۰)، «جستار فقهی حقوقی در مسئله قانونمندسازی "ارزهای رمزنگاری‌شده"»، **مجلس و راهبرد**، شماره ۲۸ (۱۰۵).
- مراد نجف‌آبادی، زهره و کافی موسوی، اباذر (۱۴۰۰)، **جایگاه بلاک‌چین و رمز ارزها در دنیای مدرن (با تأکید بر چالش‌های قانونی و فقهی رمز ارز)**، مازندران: اودیسه.
- منصور، جهانگیر (۱۴۰۳)، **کتاب قانون مدنی**، تهران: دیدآور.
- میرزاخانی، رضا، سعدی، حسینعلی (۱۳۹۷)، «بیت کوین و ماهیت مالی فقهی پول مجازی»، **جستارهای اقتصادی**، شماره ۳۰.
- نبوی، سید مهدی و صابر، محمود (۱۳۹۹)، «مطالعه تطبیقی چالش‌های نظام عدالت کیفری ایران در دادرسی جرائم مرتبط با ارزهای مجازی»، **فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، شماره ۱.
- نوری، مهدی و نواب‌پور، علیرضا (۱۳۹۶)، «طراحی چارچوب مفهومی سیاست‌گذاری ارزهای مجازی در اقتصاد ایران»، **سیاست‌گذاری عمومی**، شماره ۴.

ب) منابع عربی

- ابن زهره حلبی، حمزه بن علی (۱۴۱۷ق)، **غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع**، قم: مؤسسه امام صادق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر.
- اشتهااردی، علی‌پناه (۱۴۱۷ق)، **مدارک العروة**، تهران: دار الأسوة.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۱ق)، **کتاب المکاسب**، قم: منشورات دارالذخائر.
- ایروانی، علی (۱۴۰۶ق)، **حاشیة المکاسب**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جزایری، محمدجعفر (۱۴۱۶ق)، **هدی الطالب الی شرح المکاسب**، قم: دارالکتاب.
- حر العاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، **تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة**، قم: آل‌البت.
- حکیم، سید محسن (بی‌تا)، **نهج الفقاهة**، قم: ۲۲ بهمن.
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ق)، **تذکرة الفقهاء**، قم: مؤسسه آل‌البت لإحياء التراث.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۴۱۵ق)، **المکاسب المحرمة**، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- خمینی، سید روح‌الله (١٤٢١ق)، **کتاب البیع**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خوانساری، سید احمد (١٤٠٥ق)، **جامع المدارک فی شرح المختصر النافع**، تهران، مکتبه الصدوق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (١٤١٢ق)، **المفردات فی غریب القرآن**، بیروت: دارالعلم.
- صدر، سید محمدباقر (١٤١٧ق)، **اقتصادنا**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- محقق کرکی، علی بن حسین (١٤١١ق)، **جامع المقاصد فی شرح القواعد**، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- میرزای قمی. ابوالقاسم بن محمدحسن (١٤١٣ق)، **جامع الشتات فی اجوبه السؤالات**، تهران: کیهان.
- نائینی، محمدحسین (١٣٧٣)، **منیة الطالب فی حاشیة المکاسب**، تهران: المکتبه المحمدیه.
- نائینی، محمدحسین (١٤١٣ق)، **المکاسب و البیع**، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- نجفی، محمدحسن (١٣٦٨)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، تهران، دارالکتب الإسلامیه.